

نظر کارشناس

## موانع و فرصت‌های ارتباط با خویشاوند

دکتر آسیه شریعتمدار

مشاور نوجوان



برای نظر کارشناس این بار سراغ کسی رفتیم تا بتواند کمی در رابطه با دوره‌های فامیلی و تأثیراتش بر جوان‌ترها کمی پندمان بدهد. دکتر شریعتمدار (مشاور نوجوان) در پاسخ به سؤال تأثیرات ارتباطات خانوادگی بر رشد نوجوان گفتند:

یکی از مهم‌ترین چیزهایی که حتی در ادبیات خارجی هم موجود است این است که بچه‌ها در این فرصت‌های دید و بازدید خانوادگی اجتماعی شدن زیست خانوادگی و معاشرت سالم را می‌آموزند.

کسب حمایت از خانواده‌ها یکی از فواید مهم ارتباطات خویشاوندی است که امروزه با این‌که کم‌رنگ‌تر شده اما باز هم وجود دارد. خانواده‌ها در غم‌ها و شادی‌ها مانند مراسم عزاء و عروسی شریک هم هستند. از تجارب هم بهره می‌برند. رفت و آمدهای فامیلی در انتقال تجربه بین نسلی بسیار مؤثر است.

پرسش بعدی‌ای که از ایشان داشتیم من باب علل عدم تمایل نوجوان‌ها در مهمانی‌های خانوادگی و این جور رفت و آمدهاست که پاسخ‌شان جالب و قابل تأمل بود: یکی از مهم‌ترین عواملش تمایل نوجوانان به خودمختاری و فضای خصوصی است. آنها دوست دارند از جانب والدین به رسمیت شناخته شوند و این یک وظیفه تحمیلی همیشگی از سمت والدین برای‌شان نباشد.

دوست دارند با آنها مشورت بشود و از قبل به آنها اطلاع داده شود. یکی دیگر از موانع چشم و هم چشمی است. فضاهای مسمومی که در رابطه با رقابت بزرگ‌ترها و استفاده ابزاری از نوجوانان ایجاد می‌شود به عنوان مثال به رخ کشیدن نمرات و قبولی‌های بچه‌ها با هم باعث می‌شود نوجوانان علاقه کمتری به رفت و آمد پیدا کنند. تیکه انداختن و سؤالات بی جا که باعث ناراحتی می‌شود در واقع ورود به حریم خصوصی نوجوان است که آنها از این رفتار بیزار هستند. دوست ندارند مورد ارزیابی و سؤال قرار بگیرند. فضای دوستی و تمایل به همسالان در نوجوانان بسیار بیشتر است و اگر همسن و سالی در دوره‌های نداشتن باشند و فقط تماشاگر باشند جذابیت آنچنانی برای‌شان نخواهد داشت و در آخر این روزها ارزش صله‌رحم برای بچه‌ها کم شده و چون برای‌شان فضای دلچسبی نیست خیلی طالب این رفت و آمدها هم نیستند.



## مامان! من درس دارم



ورای تمام خوش‌گذشتن یا نگذشتن‌های دوره‌های فامیلی یا مواردی که باید رعایتش کنیم امر بسیار رایجی که بین ما نوجوان‌ترهاست، پدیده «من درس دارم» است. اصلاً انگار وقتی از تمام بهانه‌های دنیا برای مهمانی نرفتن ناامید می‌شویم در صندوقچه را باز می‌کنیم و بهانه فوق‌العاده کاربردی «من درس دارم» را درمی‌آوریم. والدین هم که همیشه خدا نگران وضعیت تحصیل فرزندان‌شان هستند اکثراً قبول می‌کنند و تازه با خود می‌گویند آنجا هم هر که پرسید بچه‌ات کجاست؟ من هم همین جمله طلایی را به رخ‌شان می‌کشم تا ثابت کنم بچه من قربانش بروم چقدر درس‌خوان و منظم است. اما خودمانیم! در نودونه میز نودونه صدم درصد مواقع بعد از رفتن اهالی خانه کتاب‌ها را بوسیده و روی طاقچه می‌گذاریم تا به کارهای مهم‌تری اعم از فیلم دیدن یا بازی کردن بپردازیم. می‌دانم که حوصله نصیحت ندارید و من هم آدم درستی برای نصیحت کردن نیستم اما اگر واقعا مشق‌های‌تان را نوشته‌اید لطفاً مهمانی‌ها را بروید!

## ریزش فامیلی

قطعا با همه رفتارهای عجیب و غریب و نامحبوب فامیل حس دل‌بستگی و تعلق به آنها در ما زنده است و خیلی اوقات از معاشرت و هم‌صحبتی با آنها کیف می‌کنیم. وسط این‌که مادرگیر جواب دادن به کنجکاوی و نظرات فامیل‌های‌مان هستیم یک لحظه فکر کنید آیا با تمام این حرف‌ها خدای ناکرده حاضر به مرگ‌شان هستید؟ بیایید یک سر به آن طرف مدیریتانه برویم. در نوار باریک غزه. ببینیم آنجا دوره‌های فامیلی چگونه برگزار می‌شود. با توپ و تانک و گلوله؟ احتمالاً کنجکاوی‌شان در این حد باشد که بخواهند بدانند: «هنوز زنده‌ای؟» شاید اگر فامیلی هر ماه در خانه بزرگ‌شان جمع می‌شدند و آن قدر شلوغ می‌شد که بچه‌ها در حیاط ناهار می‌خوردند حالا کم‌کم آن قدر دوره‌های‌شان کوچک و کوچک‌تر می‌شود که در یک اتاق همه جا می‌شوند، چون حالا خیلی از آنهایی که سر همین سفره می‌نشستند زیر فرسنگ‌ها خاک هستند. نه نه! فکر نکنید منظورمان پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و خلاصه مسن‌ترها هستند؛ نه، در غزه حتی به کودکان و نوزادان هم رحم نمی‌شود. کام‌مان تلخ شد اما فراموش نکنیم که مقاومت آنها در چند کیلومتری ما هنوز زنده است و آنها همچنان فقط برای زنده ماندن و نفس کشیدن هر روز جان می‌دهند.



## مهمان نامحترم

فرض کنید مهمانی به خانه‌تان بیاید و لباس هایش را یک طرف پرتاب بکند و کیفش را یک ور. بعد بدون اجازه یک خیار از ظرف میوه بردارد و گاز بزند و در تخت‌تان دراز بکشد. قطعا در آن لحظه به این فکر می‌کنید که چگونه می‌توانید هر چه زودتر این مهمان نامحترم را به سمت در بیرون راهنمایی کنید. بعضی رفتارها در مهمانی می‌تواند همین قدر زشت و زننده باشد. مثلاً این‌که از ساعتی که دعوت شده‌اید خیلی زودتر یا خیلی دیرتر بروید. آن میزبان بنده خدا از صبح خروس خوان همه را به صف کرده برای اینکه بهترین پذیرایی را بکند آن وقت شما آن قدر زود بروی که هنوز حتی آب برنجش را هم نگذاشته یا آن قدر دیر که غذاها رو به اتمام باشد. حداکثر تلاش‌تان را بکنید که به موقع به مهمانی‌ها برسید. حتی اگر قبلاًش مانند همه ایرانی‌ها در خانه میدان جنگ جهانی سوم را تجربه کرده‌اید. مورد بعدی که می‌خواهم متذکر بشوم این است که لطفاً بعد از غذا مانند پرنسس‌ها از سفره بلند نشوید و گوشه‌ای بنشینید و پا روی پا بیندازید؛ ما وظیفه داریم که در جمع کردن یا انداختن سفره حتی در حد یک دوغ بردن کمک کنیم و گوشه‌ای از زحمات میزبان را کم کنیم. در آخر این‌که بدون اجازه میزبان به اتاق‌ها و فضاهای خصوصی‌ترشان نروید تا جدیدترین و بدرنگ‌ترین لباسی که گرفته را سرکمدش بازرسی کنید. باشد که رستگار شوید!



آن به ویژه در شب پیدا

# بیل ترریک!

استند. اگر شانس بیاورید و هم بازی یا هم صحبت خوبی در فامیل داشته باشید و فامیل‌های‌تان آدم‌های عصافورت داده‌ای باشند، سخت‌تر می‌شود. اما خب، برای اکثرمان هم فامیل‌های عزیزی وجود دارد و هم فامیل‌های دوست‌نداشتنی‌ای که دیدن‌شان ممکن است مانند ست پرسی دیدن آدم‌هایی که روی مغزمان یورتمه می‌روند و روح‌مان ت همه آدم‌ها را دوست داشته باشید؟ خیر اما برای پیشرفت خودتان ضرر شویم برای تمرین همین ماجرا. امروز حرف‌های‌مان بوی دوره‌های



صد و ده نسل قبل خود را می‌شناسید یا از چه متغیر از آن، اصل و نسب خانوادگی از هم هستند، نه کیک! در واقع شما هیچ‌گاه اغلب افراد شما را با عناوین دختر فلانی،

